

انسان‌شناسی تاریخی رواج آیین شمنیسم در بین اقوام ترکمن

شاهپور قجقی‌نژاد

دانشجوی دکتری مردم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.

qshapour@yahoo.com

محمود سید (نویسنده مسئول)

استادیار گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.

Mahmood.seyyed@yahoo.com

علی باصری

استادیار گروه مردم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.

وحید رشیدوش

استادیار گروه مردم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا ۰۲۷۱-۲۰۰۸) - سال ۱۶ شماره ۶۳ - صفحه ۲۰۸-۱۷۷

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۱۱/۴ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۶/۳

چکیده

بررسی شمنیسم به عنوان کهن‌ترین غالب دینی در میان ترکمن‌ها و تلفیق آن با تصوف اسلامی بخشی از مباحث این پژوهش را به خود اختصاص می‌دهد. با مطالعه بقایای آیین‌های شمنی سیر تطور تاریخی نظام اعتقادی اقوام ترکمن مورد بررسی قرار گرفت. دین و آیین شمنیسم به عنوان نظام غالب دینی، اجتماعی و سیاسی اوغوزها (ترکمن‌ها) پیش از گرویدن آن‌ها به اسلام بوده است. چنانچه بسیاری از اعتقادات و آیین‌های اقوام ترکمن ریشه در باورهای کهن دینی و ابتدایی مانند اعتقاد به سحر، جادو و تسلط ارواح به انسان‌ها و به طور کلی در شمنیسم دارد. با وجود پذیرش اسلام از سده‌های پیش تاکنون امروزه نیز نشانه‌های شمنیستی در مراسم آیینی آن‌ها متجلی است. پرسش اساسی این پژوهش آن است سیر تطور آیین پرخوانی به عنوان بازمانده آیین شمنیسم در بین ترکمن‌های اوغوز چگونه بوده است؟ آنچه که امروزه از آن به عنوان آیین پرخوانی یاد می‌شود در ادیان کهن اقوام ترکمن و نیز شمن‌ها در نظام سیاسی و اجتماعی اوغوزها چه جایگاهی داشته‌اند؟ در این پژوهش با رویکرد تاریخی به آیین‌ها و باورهای شمنی در ادیان ابتدایی اوغوزها و نیز به جایگاه شمن‌ها در تاریخ باستانی آن‌ها پرداخته شد و در نهایت با بررسی تاریخی قومی ترکمن‌ها (اوغوزها) به بقایای آیین‌های شمنی تحت عنوان آیین پرخوانی در یافته‌های میدانی تحقیق پرداختیم.

واژگان کلیدی: انسان‌شناسی تاریخی، شمنیسم، اقوام ترکمن، اوغوزها، خلسه.

مقدمه

نخستین نشانه‌های تمایل انسان‌ها به اندیشه‌های عرفانی را می‌بایست در اندیشه‌ها و عقاید شمن‌ها جستجو کرد. بررسی تاریخ پیدایش یک عقیده و یا مذهب و تحلیل مبانی عقیدتی همچون آیین‌های است که اساس واقعی آن را نمایان می‌سازد.

برای اثبات این موضوع می‌توان به سفرهای روحانی شمن‌ها اشاره نمود. شمن‌ها در ونزوئلا مدام از طریق اقیانوس به استرالیا سفر می‌کنند و همین عاملی برای گسترش افکار روحانی و عرفانی شمن‌ها است. خاستگاه عقاید شمنی در میان هندوها و گروه‌های سکایی می‌توان در اندیشه‌های عرفانی آن‌ها جستجو کرد آن‌ها معتقدند بین زمین و آسمان روح وجود دارد. وظیفه شمن آن است طی یک سفر روحانی به کنترل امور پردازد. این گونه تفکرات در شمنیسم در جهت کسب حقایق و سلوک روحانی محسوب می‌شود.

میرچا الیاده بر این باور است ارتباط شمن‌ها با نیروهای مرموزشان جنبه عرفانی دارد. آن‌ها طی یک سفر معنوی در اندیشه‌های خویش بر جهان مادی تسلط می‌یابند. یک شمن بر اساس یک باور فراگیر و تفکرات عرفانی خویش در عالم ماوراء سیر می‌کند.

او بر این باور است تحت مراقبت خدای خویش می‌تواند به دور دست‌ترین جای جهان سفر کند. نیروهای روحانی متعالی در این سفر با او همراه می‌شوند. ارواح یاریگر شمن ارتباط او را بین دو جهان مادی و معنوی فراهم می‌سازند، این سفرها در اندیشه‌های شمن جنبه معنوی دارند. تصور عرفانی در بین شمن‌های ترک - تاتار وجود دارد بر اساس آن ستارگان پنجره‌های عالمند آن‌ها پنجره‌هایی هستند که گاهی خدایان برای نگاه کردن به زمین خیمه را باز می‌کنند. امروزه شمن‌های قزاق به هنگام اجرای مراسم به ستارگان خیره می‌شوند بر این باورند خدایان در ستارگان پنجره‌هایی گشوده‌اند که ارتباط آن‌ها را با عالم ماوراء الطبیعه فراهم می‌سازند

برخی از محققان بر این باورند که شمن اصطلاحی است برآمده از فرهنگ بودایی که به مرور زمان از طریق برهمنانی که پیش از ورود اسلام برای ترویج دین خویش به ایران رفت و آمد داشته‌اند، وارد زبان فارسی شده است. اما برخی دیگر کلمه شمن را واژه‌ای

دانسته که از سرمنه زبان سانسکریت به معنای زاهد و مرتاض اخذ شده است. (آشتیانی، ۱۳۷۲: ۸۹)

در فرهنگ دهخدا نیز در ذیل واژه سمن تصریح شده است که این لغت از واژه سرمن (Serman) سانسکریت مشتق شده و اصطلاحی است که برای خطاب به روحانیان به معنی کسی که خانه و کسان را ترک گوید و در خلوت به عبادت و ریاضت گذارنده اطلاق می‌شود.

اما بسیاری از پژوهشگران واژه شمن را به معنای دقیق آن عمدتاً پدیده ای دینی مربوط به سیبری و آسیای مرکزی قلمداد می‌کنند. این واژه از طریق زبان روسی از شمن، تونگوزی (Tongozi) (قبایلی که در سرزمین وسیعی واقع در شرق سیبری ساکنند) به ما رسیده است.

به طور خلاصه، شمنیسم را می‌توان نوعی سحر و جادوی ابتدایی و روش بدوی مداوای بیماران و تاثیرگذاری در حوادث به کمک اجنه و ارواح و موجودات غیر عادی ذهنی دانست و هنوز هم در اقوامی که فرهنگ بدوی خود را حفظ کرده اند و یا در شرایط ابتدایی به سر می‌برند، دیده می‌شوند. (همان ماخذ، ۸۹)

شمن ها در میان قبایل خود به مداوا، سحروتسخیر ارواح می‌پرداختند. آن‌ها دارای این قدرت هستند که از جسم خود به در آیند و به کمک روحی که حافظ او هستند به قلمرو ارواح قدم می‌گذارند و در آنجا ارواحی را که موجب بیماری و شوم بختی فرد شده اند از میان بردارند. مداوای روحی شمن ها متوجه رفع علت که همان ارواح خبیثه اند می‌شود. (الیاده: ۱۳۸۸: ۱۴۷)

شمنیسم مهمترین نظام دینی ترکمن هاست که به مثابه دین ابتدایی این اقوام، ساختار اعتقادی آن‌ها را شکل داده است، با وجود پذیرش دین اسلام از سده های پیش تاکنون امروزه نیز نمادهای شمنی در آیین ها و مراسم قومی آن‌ها متجلی است. در نظام اعتقادی و باورهای کهن دینی اقوام ترکمن، عناصر کهن و ابتدایی همچون اعتقادی به ساحری و جادو، تسلط ارواح بر انسان ها که به طور کلی شمنیسم نامیده می‌شود که ریشه در

اعتقادات کهن و آنیمیستیک^۱ آن‌ها در گذشته‌های دور دارد. در این مقاله ابتدا به ساختار ادیان ابتدایی ترکمن‌ها (اوغوزها) می‌پردازیم تا مبنای آیین‌های شمنی را در بین این اقوام مطالعه نماییم.

روش گردآوری مطالب از طریق مشاهده مشارکتی (مشاهده مستقیم) و کتابخانه‌ای با بررسی اسناد و مطالعه منابع انجام یافته است. مواردی که به عنوان پیشینه این تحقیق مورد مطالعه قرار گرفت، مربوط می‌شود به گردآوری اطلاعاتی که آیین‌های شمنی اقوام ترکمن را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. این مقاله به بررسی ساختار اجتماعی-فرهنگی ادیان کهن و ابتدایی اقوام ترکمن می‌پردازد سپس با مطالعه بقایای آیین‌های شمنی که در فرهنگ کنونی آنها ریشه دوانده به تحلیل و بررسی این آیین می‌پردازیم.

روش تحقیق

یافته‌های این پژوهش با روش میدانی- اسنادی گردآوری شده است ابتدا از طریق مصاحبه و مشاهده مستقیم و حضور در آیین شمنی، پرخوانی اطلاعات میدانی گردآوری شد. بر اساس یافته‌های میدانی، اسناد تاریخی از منابع مختلف در خصوص نظام شمنیسم در بین ترکان اوغوز گردآوری شد و سیر تطور تاریخی باورها و اعتقادات شمنی در بین آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا موارد انسان‌شناسانه از قبیل نظام طبقه‌بندی در بین شمن‌ها در دوران باستان و نقش اجتماعی شمن‌ها با روش بررسی اسنادی و مطالعه تطبیقی یافته‌ها با آیین‌های امروزی شمن‌های ترکمن به عنوان بقایا و بازمانده شمنیسم سیر تطور این آیین بررسی شد. با روش اسنادی و میدانی ظهور مکاتب اعتقادی مانند صوفیسم در بین ترکان اوغوز پس از گرویدن به اسلام و پیدایش مکتب درمانی تحت عنوان صوفیسم و صوفی‌گرایی و مقایسه آن با شیوه مداوای شمنی سیر تطور آیین‌های شمنی مورد پژوهش قرار گرفت.

پیشینه پژوهش

Animistic -^۱

در حوزه فرهنگ و آیین های ترکمن های ایران، پژوهش های متعددی انجام شده که به برخی از آن ها اشاره می‌شود. کتاب ایرانیان ترکمن پژوهشی در مردم شناسی و جمعیت شناسی ترکمن های ایران اثری از «اصغر عسکری خانقاه» و «محمد شریف کمالی» است. در این کتاب به مهاجرت اقوام ترکمن، سازمان اجتماعی، ترکیب جمعیتی، آداب و آیین های مردم ترکمن مورد بررسی قرار گرفته است.

مولفان این اثر نقش «طوایف مقدس» که خود را اعیان خلفای راشدین می دانند، به عنوان درمانگران بومی در جامعه ترکمن مورد بررسی قرار داده اند، (عسکری خانقاه و کمالی، ۱۳۷۴، ایرانیان ترکمن، تهران، اساطیر)

«ولادیمیر مینورسکی» محقق روسی رساله خویش را درباره ترکمن ها با عنوان تاریخ مختصر ترکمن ها در سال ۱۹۶۰ منتشر کرد. مولف در این اثر تاریخ و فرهنگ مردم ترکمن را مورد پژوهش قرار داده است. اوشمنیسم را به عنوان ادیان ابتدایی اقوام ترکمن دانسته و بقایای آن را در آیین ها و مراسم این اقوام جستجو نموده است. نگارنده در ادامه به سیر مهاجرت اقوام ترکمن و برخی از باورهای آن ها در دوران توتمیسم پرداخته است. (مینورسکی، ۱۹۶۰) ترکمن های یموت نام اثر دیگری است از «ویلیام آبرونز» انسان شناس آمریکایی او در این پژوهش ساختار قومی و سازمان اجتماعی ترکمن های یموت را مطالعه نموده و به ساختار قومی - طایفه ای اقوام ترکمن را پیش از یکجا نشینی از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داده است. در صفحاتی از این اثر او نیز به نقش طوایف مقدس در رفع نزاع در بین قبایل ترکمن و همچنین به نقش آن ها در شیوه مداوای بیماران به صورت مختصر اشاراتی شده است (آبرونز، ۱۳۸۶، ترکمن های یموت، تهران، افکار)

ترکمن های ایران اثر «لوگاشوا» درباره سیر مهاجرت و ادیان ابتدایی اوغوزها و جغرافیای جمعیت ترکمن های جهان مطالبی ارائه نموده است (لوگاشوا، ۱۳۵۹، ترکمن های ایران، تهران، شباهنگ)

تاریخ ترک های آسیای میانه یکی از مهمترین آثار درباره فرهنگ و تاریخ اقوام ترکمن است نویسنده در ابتدا به ادیان ترکان اوغوز می پردازد و ادامه با مقایسه دو دوره تاریخی

پیش و پس از اسلام تاریخ و فرهنگ اقوام ترکمن را مورد بررسی قرار می دهد (بار تولد، ۱۳۷۶، تاریخ ترک های آسیای میانه، تهران، علمی فرهنگی)

در سال های اخیر پژوهش های دامنه دار خانم دکتر منیژه مقصودی درباره درمان بومی در میان زنان ترکمن از پژوهش های کلیدی در این حوزه است او با مشاهده مستقیم آیین ها و مراسم درمانگری اقوام ترکمن مقالاتی را منتشر نموده است. (مقصودی، ۱۳۸۹، درمان بومی در میان زنان ترکمن، تهران، نشریه زن و فرهنگ)

یافته های پژوهش

در این پژوهش ابتدا با روش اسنادی موارد تاریخی از دیدگاه انسان شناسی تاریخی نظیر پایگاه اجتماعی شمن ها و نقش اجتماعی آن ها در بین حاکمان در تاریخ باستان ترکان اوغوز مورد بررسی قرار گرفت. سیر تطور آئین شمنیسم در بین اوغوزها (ترکمن ها) در دو دوره پیش و پس از اسلام و شکل گیری نهضت ها و مکاتب اسلام و ظهور صوفیسم به عنوان مکتبی در برابر شمنیسم تحت تاثیر قرار گرفتن شمنیسم از باورهای اسلامی و صوفیسم مورد تحلیل و تبیین تاریخی قرار گرفت. در این بخش پذیرش دین اسلام از سوی اوغوزها و پیدایش مکتب صوفیسم و نگرش آن نسبت به بیماری و تفاوت دیدگاه ها درباره عوامل زمینه ساز بیماری در دو مکتب صوفیسم و شمنیسم و تاریخ فرهنگی اقوام ترکمن پس از پذیرش اسلام و تلفیق آئین های شمنی با اسلامی مورد تحلیل قرار گرفت. در نهایت با مطالعه میدانی بقایای باورها و اعتقادات شمنی آئین پرخوانی به عنوان بازمانده آئین شمنیسم به عنوان الگوی این پژوهش بررسی شد.

نتایج

با مطالعه جنبه های تاریخ اجتماعی شمنیسم در ادوار باستان در بین ترکان اوغوز (ترکمن ها) و جایگاه شمن ها در دین باستانی ترکمن ها، شمن های دوران کهن نقش متفاوتی همچون نقش رهبری قبایل، روحانیت، درمانگری را بر عهده داشتند. شمن ها در دستگاه اجتماعی حاکمان وقت به چندین گروه تقسیم می شدند. آن ها با توجه به قدرت

خارق‌العاده‌اشان در جامعه اوغوزها علاوه بر نقش درمانگری نقش حاکمیتی را نیز بر عهده می‌گرفتند.

به تدریج افول قدرت شمن‌ها در بین اوغوزها و مغول‌ها پس از گرویدن آن‌ها به ادیان یهودیت و مانویت بوده است. پس از نفوذ و تبلیغ دین اسلام از سوی غازیان مسلمان به تدریج باورهای شمنی نقش اولیه خویش را از دست دادند و شمن‌ها در بین ترکان اوغوز (قزاق‌ها، قرقیزها و ترکمن‌ها) نقش درمانگری قبایل را برعهده داشتند.

پرسش‌های اساسی تحقیق

۱- مهم‌ترین پرسش‌هایی که پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به آن است، شمن‌ها به عنوان بخشی از جامعه ترکمن- چه در گذشته و چه در زمان حاضر چه تصویری از نظام اعتقادی مردم ترکمن ارائه می‌دهند؟

۲- عناصر شفا بخش بین درمانگران شمن در گذشته و امروزه چه بوده است؟ در این پژوهش با مطالعه عناصر انسان‌شناسانه شمنیسم به این سوالات پاسخ داده شد. ابتدا با مطالعه تاریخ و ادیان ابتدایی ترکان اوغوز و نقش و جایگاه شمن‌ها در نظام اعتقادی و اجتماعی اوغوزها پس از آن جایگاه شمن‌ها در بین اقوام ترکمن تلاش شد به پرسش‌های کلیدی این پژوهش پاسخ داده شود.

در مجموع شیوه مداوای شمن‌ها به احضار ارواح استوار است. شمن‌ها همانا با احضار و مهار ارواح خبیثه که یک روش کلی در بین شمن‌هاست به مداوای بیماران می‌پردازند.

قوم‌شناسی اوغوزها و پیدایش نام ترکمن

بیشتر منابع تاریخی بر این باورند که ترکمن‌های امروزی بازمانده قومی هستند آن‌ها را اوغوز یا غوز می‌نامیدند. بر اساس کتیبه ینی‌سی (Yenisi) و کتیبه اورخون (Orxon) (متعلق به قرون هفتم و هشتم میلادی و همچنین اظهار نظر برخی از مورخان اوغوزها در سده نخست میلادی در حاشیه رودخانه ینی‌سی در شمال مغولستان می‌زیستند. سرد

بودن مناطق سیبری در شمال و وجود فلات تبت و کوه های بلند هیمالیا در جنوب، این قوم دامدار را که همواره در پی مرتع بودند به سمت جنوب غربی سوق داده است. اوغوزها در قرن هشتم میلادی در قسمت سفلی سیر دریا می زیسته اند. (گلی، ۱۳۶۶: ۱۲۵)

تحقیقات در دهه های اخیر به این موضوع اشاره دارند که اوغوزها از منطقه تیانشان (Tienshan) به معنای کوه بهشت مجموعه بزرگی از رشته کوه هایی است که در آسیای مرکزی قرار دارند آمده اند. این کوه در آیین تنگری باوری مقدس شمرده می شود و دو همین قله بلند آن به نام خان تنگری نام دارد در زبان ترکی اوغوری به معنای ارباب ارواح است. در داستان های تاریخی اوغوز که به همین موضوع مربوط می شود دفتر فرمانروایی یا رهبر عالی آنها در یک زمان در سواحل ایشک کال واقع شده بود. طبق نسخه های مختلف این افسانه نزاع هایی در بین اوغوزها وجود داشته که ناشی از روابط خصمانه بین حاکم آنها و پسرش اوغوز خان است. در شرح این افسانه قدیمی مورخ فارسی رشیدالدین فضل الله در اواخر قرن سیزدهم و آغاز قرن چهاردهم زندگی می کرد نوشت که پس از یک مبارزه طولانی، اوغوز خان سرزمین های پدرش را در ولسوالی تالاس تصرف کرد، پس از آن اوغوز خان موفق شد تعداد زیادی از سرزمین ها و مناطق آماق (Almagh) و آلتاق (Altagh) را تسخیر کند. اوغوز پس از آن کارزارهای بزرگی را به سمت غرب راه اندازی کرد و در مرزهای ماورالنهر و خوارزم ظاهر شد، از آنجا به قسمت های تحتانی ولگان نفوذ کردند. پایتخت اوغوزها شهر ینگی کنت (Yenge kent) در مناطقی که در اختیار داشتند ساخته شده است. (agajanova 2009:119)

سنت های تاریخی اوغوزها به اوایل قرون وسطی بر می گردد شامل تعداد زیادی از بخش های افسانه ای و ابر نمایش ها از دوره های بعد از آن، با این حال به وضوح بازتاب مهاجرت آنها از شرق به غرب را نشان می دهد. در دوره این مهاجرت ها که به صورت حملات و جنگ ها شکل گرفت. آنها به مرزهای اروپا رسیدند. حرکات اوغوزها منطقه وسیعی را پوشش می داد. آنها ابتدا از تیانشان غربی منطقه ای که بیشتر ذکر آن رفت به

شمال خزر رسیدند و از آنجا در نقاط مختلف آسیا و آسیای صغیر پراکنده شدند. (همان ماخذ، ۱۲۲)

مهاجرت اوغوزها در اوایل قرن هشتم در سال ۷۴۲ به دنبال افول و سقوط خاقان اوغوز آغاز شده است. در مورد ترکان غربی خاقانات غربی ترک خاقان نشین‌های غربی که در آسیای میانه در اثر منشعب شدن خاقانات گوگ ترک، در قرن هفتم میلادی به وجود آمدند. تاسیس این خاقانات در سال ۶۰۰ میلادی و انقراض آن در سال ۶۵۹ بود.

در مورد ترکان غربی، تغییرات قابل توجهی در تاریخ آسیای میانه رخ داده است، یک کنفدراسیون از قبایل ترک تشکیل شده است. اوغوزها در قرن هشتم میلادی در قسمت سفلی سیر دریا می‌زیسته‌اند. اوغوزها طایفه‌ایی از ترکان غربی بودند در کتیبه اور خون (Orxon) به امر بیلکه قآن (Bilkeh ghan) خاقان ترکها نوشته شده و او آنها را با کلمات ملت من عنوان نموده است. (هیات، ۱۳۸۰:۱۲۰)

در محوطه باستانی چارجو (Charjo) در کشور ترکمنستان کتیبه‌هایی وجود دارند که اوغوزها را قومی دانسته که از یک اتحادیه قومی برخوردارند. مورخ ترک شناس «سومر» نیز بر همین اساس واژه امپراطوری را برای ترکان به کار برده است.

در قرن دهم میلادی اوغوزها حکومتی محلی در سواحل دریای سیحون تشکیل داده بودند. حکمران آنها موسوم به «بیغو» در شهر «ینگیکنت» در بخش سفلی رود سیحون اسکان داشت. در سده‌های دهم و یازدهم میلادی در آسیای میانه ظاهر شده به تدریج تقریباً در تمامی مرغزاران آسیای میانه و قزاقستان امروزی پراکنده شدند. بخش عمده اوغوزها دامدار بودند، بز گوسفند، اسب شتر پرورش می‌دادند. آن‌ها در صحراها آچیق‌های بادوام و محکم به «قره‌اوی» (Ghara oy) برپا می‌کردند (کمالی: ۱۳۶۲، ۴۹)

اوغوزها مقارن با ظهور اسلام (نیمه دوم سده نهم میلادی) تا کناره‌های رود سیحون تسلط داشته‌اند. پس از فتح ماورالنهر اعراب با امپراطوری عظیم اسلامی هم‌سایه شده بودند. اوغوزهای آسیای میانه در سده‌های نهم و دهم میلادی طوایف و عشایر خالص ترک نبوده‌اند. بخشی از آن‌ها به ویژه ساکنین نواحی سفلی رودخانه سیحون و بیابان قزاقستان امروزی از نژاد ترک بوده‌اند، به مرور زمان با مردمان محلی آمیزش نموده‌اند. در

نتیجه این آمیزش و نزدیک شدن اوغوزها در بین ممالک اسلامی به نام «ترکمن» یا «ترکمان» برمی خوریم. برخی از مورخان منشا نام ترکمن را پس از پذیرش دین اسلام از سوی اوغوزها جستجو می کنند و این نام به گروهی از اوغوزها اطلاق می شد که به دین اسلام گرویدند که در برخی منابع از این گروه با عنوان ترک ایمان یاد شده به نظر می رسد به مرور زمان به ترکمن تبدیل شده است. چنانچه در مورد وجه تسمیه «ترکمن» حافظ عماد الدین ترک شناس ترک نیز با این نظر موافق است او می گوید این واژه از دو جزء «ترک» و «ایمان» ترکیب یافته است. او بر این باور است ترک های نو مسلمان را ترکمان می گفتند. (سارای، ۱۳۷۸: ۳۰).

شمینیم ادیان ابتدایی اوغوزها (ترکمن ها)

به نقل از منابع تاریخی ترک های اوغوز سابقا پیرو آیین شمنی بوده اند. در بین آنها شمن شخصی توانایی ارتباط با عالم ماوراءالطبیعه دارد. این شمن ها در حالت نشگی از طریق روش هایی مانند دعا خواندن به هنگام اجرای خلسه (تب و تاب) مراسم برگزار می کنند. شمن ها قدرت پیشگویی از آینده را داشته اند به همین دلیل آن ها در دستگاه حاکمه مغول ها از جایگاه ویژه ای برخوردار بودند.

در اساطیر مردم ترک و مغول در آسیای مرکزی پیش از اسلام، ترک ها پیرو آیین شمنینیم بودند. خدای آنها تانگری، خدای آسمان مورد پرستش طبقات فوقانی ترکان باستان بود تا اینکه مانایسیم مقدمه ای به عنوان دین رسمی امپراطوری گوگ ترک ها شده است. (haner2010:149)

باورهای اصلی ترکان باستان پرستش گوگ تانگری (خدای آسمان) بوده که اصطلاحاً به آن «قامایی» (شمنی) می گویند. دین باستانی ترکان را دین قاهایی می نامند، قام ها روحانیون این دین هستند. در این دین، عنصر اصلی همه تصورات مذهبی، باور به گوگ تانگری روح و آخرت است. تانگری در ترکی به معنای آسمان است که حکایت از الوهیت دارد. در اندیشه های اوغوز باور به تانگری در معنای تبیین خلقت کائنات است (بارتولد، ۱۳۷۶: ۸۹).

ترکان تانگری (خدای آسمان) را به عنوان رفیع ترین تصورات مذهبی در شمنیسم ترکی پذیرفته بودند. به همین دلیل تانگری باوری در ادیان بعدی مغول‌ها و ترک‌ها به بودیسم ضمیمه شد. بودیسم دین غالب ترکان اوغوز و مغول‌ها در سراسر آن منطقه شد، شمنیسم سرآغاز تلفیق با بودیسم شد. مقاومت‌های خشونت‌آمیز در قرن هیجدهم با نزاع‌های قبیله‌ای ترک‌ها در برابر قوانین گروهی خان‌ترکان اوغوز باعث پیدایش گروهی جدید در طبقات روحانیون با عنوان شمن‌های سیاه شد. بدین ترتیب سلسله مراتب روحانیت در کلان در جامعه اوغوزها پایه‌ریزی شد بر روی منابع و الهاماتی که به قرن سیزدهم برمی‌گردد. بالاترین گروهها در معابد مربوط به تانگری است. کریم آن‌ها تانگری بالاترین تعالی‌نامیده می‌شد. تنها بین رهبران و شمن‌های بزرگ و کل کلان مشترک بود. (GARY 2010:189)

در دین باستانی اوغوزها قام‌ها افرادی با نفوذ بودند و نقش اولیاء را بازی می‌کردند. قام‌ها علاوه بر نقش شمن بودن نقش روحانیت و رهبری سیاسی را برعهده داشتند. آن‌ها از نیروی فوق‌طبیعی برخوردار بودند. همچنین آن‌ها ارواح نیاکان را فرامی‌خواندند و روح شخص بی‌حار را احضار می‌کردند. اعتقاد به ارواح، چشمه، کوه، صحرا، ماه، خورشید، از اعتقادات اساسی دین یکتاپرستی اوغوزهاست. (niazi 2002:89)

پس از انقراض تانگری ماهایانا بودیسم به تدریج جایگزین آن شد. بودیسم مذهب اصلی ترک‌ها پس از مانایسم بود. ترک‌های کناره دریای خزر نیز پیش از گرایش و پذیرش دین اسلام پیرو ادیان مانویت بودند. امروزه مردمان ترک مسلمان سنی مذهب هستند. اگرچه تعداد زیادی در ترکیه، ترک‌های علوی هستند که سابقاً در شرق آناتولی سکونت داشتند. اما امروزه در مراکز عمده شهری در نقاط غربی ترکیه متمرکز هستند.

قسمت عمده ترک‌های مسیحی تحت عنوان غاغوز (Gagauz) در مولداوی هستند. باورهای دینی غاغوزهای روسیه زمانی شامل مفاهیم باستانی ترکی بسیاری را دربرمی‌گرفت، همچنین برخی عناصر فرهنگ زرتشتیان، یهودیان و مسلمانان مشترک هستند. گروهی موسوم به قواش‌ها وابسته به مسیحیان ارتدوکس شرقی، اعیاد جشن‌ها و

مراسم آن‌ها منطبق با جشن ارتدوکس‌ها بود، در بین این گروه آیین‌ها و مراسم مسیحیان بندرت جایگزین سنت‌های قدیمی ترک‌ها شد. بنابراین می‌بینیم اقوام و گروه‌های ترک اصالتاً شمنیست بودند. کاربرد اصلی شمنیسم اصطلاحاً به ادیان بومی گروهی در شمال و مرکز آسیا اطلاق می‌شود که ترکان اوغوز را نیز با منطقه‌ای خاص در بر می‌گرفت اگر‌ها درباره مردمان ترک فرهنگ آسیای مرکزی بحث کنیم آن موضوع می‌تواند یک فرض بیطرفانه و منصفانه باشد. ترک‌ها بعنوان مردمی که ملیت‌شان را با فرهنگ‌های مجاور آمیخته‌اند و مدت زمان طولانی از مرکز آسیا تا آناتولی مهاجرت نموده‌اند. (hoppal ۲۰۱۰:۵۸).

تقسیم بندی شمن‌ها (قام‌ها) و سلسله مراتب روحانیت

در میان ترکان اوغوز شمن‌ها معمولاً به به چندین دسته تقسیم می‌شدند. در مطالعات نقوش صخره‌ای برخی شمنیسم سیاه را نوعی از شمنیسم در بین ترکان اوغوز و مغول‌ها تصور می‌کنند. آن‌ها صریحاً در برابر شمن زرد قرار می‌گیرند، نوعی طبقه بندی اجتماعی از شمن‌ها که از این طریق اقتدار و قدرت آن‌ها را نمایان می‌ساخت. امروزه این نوع طبقه بندی در آیین‌ها و سنت‌های بودیسم نیز مشاهده می‌شود. شمن‌های سیاه به عنوان روح شیطان عمل می‌کردند. شمن‌های سفید با روح دنیای فوقانی (عالم‌هاوراء) در ارتباط هستند. تفکیک نقش شمن‌ها در بین مغول‌ها و ترکان اوغوز بیانگر سلسله مراتب روحانیت بر اساس قدرت جادویی آن‌ها به شمار می‌رفت. (thompson 1986:122)

کلاوس هس^۲ در اثرش تحت عنوان شمنیسم سیاه، سفید و زرد سه سلسله مراتب پیچده را در جامعه ترکان باستان مبتنی بر قبیله بر اساس منابعی از قرن سیزدهم تا سیف می‌کند. بالاترین گروه در زیارتگاه که شامل نود و نه خدای آسمان (تانگری) (پنج‌جاه و پنج مورد آن خیر خواه یا سفید و چهل و چهار مورد آن وحشتناک یا سیاه) هفتاد و هفت مورد آن (Natigai) (مادران زمین) بودند. تانگری از سوی شمن‌های بزرگ یا سفید فرا خوانده می‌شد و برای همه قبایل متداول بود. ارواح ارباب رهبران قبیله بود که هر یک از

^۲ klaus hess -

اعضای قبیله می‌توانست برای کمک جسمی یا معنوی از آن‌ها درخواست کند. محافظ ارواح شامل روح شمن بزرگ می‌شد. ارواح نگهبان از روح شمن‌های کوچک‌تر ساخته شده بود و با مکان خاصی از قبیل کوه‌ها و رودخانه‌ها و ... در قلمرو قبیله در ارتباط بودند. (hess:2010:202)

تفاوت اصلی شمن‌های بزرگ، سفید و کوچک همچنین در یک تقسیم‌بندی طبقاتی از سه گروه از ارواح شکل می‌گرفته است. این ارواح بوسیله آیین‌های شمنی به اجتهاع اجدادی نشان داده نمی‌شوند. با این حال چه کسی می‌توانست برای کمک فراخوانده شود، سه نفر که دعا را قبول می‌کردند به آنها (اون گوربان) گفته می‌شد. شمن‌های سفید از نجبای قبیله و شمن‌های سیاه غیر اشرافی بودند و دسته سوم شامل ارواح شیطانی بردگان و اجنه غیر انسانی بود. شمن‌های سفید می‌توانستند روح سفید را تحریک کنند. اگر روح سیاه را فرا می‌خواندند حق خود را در ادای احترام و احضار ارواح سفید از دست می‌دادند. به همین ترتیب شمن‌های سیاه نیز تنها ارواح سیاه را فرا می‌خواندند. مطابق موقعیت اجتماعی و شمن بودن شمن‌های سیاه و سفید مختص ارواح بودند.

شمن‌های سیاه در خدمت خان‌های سیاه هستند، این نوع شمن‌ها مورد علاقه کسی نیستند با این حال مفیدند، زیرا تنها آنها می‌توانند نقش واسطه‌های خان سیاه را برعهده گیرند. بر طبق اساطیر اوغوزها نخستین شمن‌ها سفید بوده‌اند و شمن‌های سیاه بعدها ظاهر شده‌اند. این خدایان بودند که عقاب را فرستادند تا موهبت‌های شمنی را به نخستین انسانی که بر روی زمین می‌بیند بدهد.

میرچا الیاده درباره تقسیم‌بندی و موقعیت اجتماعی شمن‌ها معتقد است:

«این گروه بندی شمن‌ها در بین اوغوزها چه بسا ممکن است پدیده ای ثانوی و یا حتی تا اندازه‌ای متاخر باشند، خواه به خاطر متاثر بودن از ایرانیان که در اساطیر آنها تقسیم بندی خدایان مشاهده می‌شود یا ارزش گذاری منفی راجع به تجلیات مقدس خدایان و ارواح جهان‌زیرین و «دوزخی» که در طی زمان نیروهای «شیطانی» شناخته شدند. (الیاده، ۱۳۷۲: ۱۲۹)

در اساطیر ترکان اوغوز همیشه تقابلی کاملاً بارز بین خان‌های سفید و سیاه بوده است. خدایان و ارواح بالایی ممکن است نیکو پسند باشند، اما منفعل‌اند. بنابراین هیچگونه کم‌کی به جریان حیات انسان‌ها نمی‌کنند. آنها در عالم فوقانی آسمان ساکنند و بندرت در امور انسانی دخیل‌اند، و در طی زندگی نسبت به ارواح پایین که انتقام جو بوده و به زمین نزدیک‌اند و سازمانی بسیار سختگیرانه در داخل کلان‌ها دارند با انسان‌ها متحد می‌شوند و به نسبت تاثیر گذاری کمتری دارند. (سومر، ۱۳۸۰: ۸۰)

در مجموعه داستان‌های دده قورد داستان مشترک اقوام ترک آمده است:

«خان خانان بایندر خان عادت داشت سالی یکبار مهمانی بدهد و قام‌های (شمن‌ها) اوغوز را دعوت کند، او دستور داد یکجا چادر سفید، جای دیگر چادر زرد و جای دیگر چادر سیاه برپا کنند. او دستور می‌دهد شمن‌های سیاه را به چادر سیاه راهنمایی کرده زیر آنها نمد سیاه پهن کنند. خان‌های اوغوز بنا به موقعیت و نقش اجتماعی شمن‌ها برای آینده قبیله از آنها می‌خواستند پیشگویی‌هایی نمایند. هریک از شمن‌ها در جادو درمانگری افراد قبیله نقش داشتند اما پایگاه اجتماعی آنها با توجه به ارتباطشان با خدایان و ارواح مشخص می‌شد. (عربدفتری، ۱۳۷۹: ۴۴).

توت‌ها و نشانگان ترکان اوغوز

در باورها و اعتقادات دینی هون‌ها و ترکان باستان (اوغوزها) توت‌میسم در مهم‌ترین جایگاه بود. توت‌میسم یکی از مهم‌ترین ادیان باستانی است. اولین خدایان اوغوزها حیوانات بودند. آیین‌های دینی در خصوص حیوانات ریشه در زمان‌های باستان دارد، هنگامی که انسان‌های ابتدایی هنوز به صورت ایزوله در طبیعت زندگی می‌کردند و ارتباط قبیله‌ای داشتند. در آسیای مرکزی از حیوان گرگ در سنگ‌نگاره‌های دوره نئولیتیک به دست آمده است. تصور از گرگ در فرهنگ‌های مختلف نقش ویژه‌ای داشته است. در بین ترکان باستان گرگ می‌توانست قوی و حامی موجودات درمانده باشد. بطور عام بسیاری از اسطوره‌های اورآسیا درباره داستان پیدایش قبایل را به گرگ‌ها نسبت می‌دهند. بسیاری از داستان‌های بسیاری درباره گرگ‌ها در افسانه و داستان‌های ترکان اوغوز وجود دارند.

همچنین منابعی در ادبیات حماسی قرقیزها وجود دارند به این مفهوم که قهرمان داستان توصیف می‌شود با عنوان کوک کال (kok cal) به معنی مرد آبی کوک بور به معنی گرگ آبی برجسته ترین نمایش عقاید توتمیک ترک هاست. (hajson 2011:183)

در افسانه‌های باستانی اقوام ترک و مغول گرگ به عنوان نیای نخستین انسان یاد شده است. ج.ج. ساندرز نویسنده کتاب «تاریخ فتوحات مغول» درباره گوگ ترک‌ها که اولین حکومت ترک تبار شناخته شده گرگ را توتم ترکان دانسته است. در افسانه های او غوز نامه گرگ آسمانی گرگ خاکستری اوغوز خاقان را در بسیاری از فتوحات یاری می‌کند.

در یکی از ترانه های حماسه «گور اوغلی» قهرمان این داستان در وصف اسب خود «قیرآت» اصل و نسب او را به گرگ منتسب می‌داند. امروزه در باورهای عامه ترکمن‌ها نیز گرگ مظهر هوش و قدرت است. بنابراین مردان کار کشته، نیرومند و توانا را به گرگ تشبیه می‌کنند. با امید ذکاوت و قدرت برای فرزندانشان پسران را «قورت» نام گذاری می‌کنند. (ریس نیا، ۱۳۷۸: ۸۷)

در باورهای توتمی یکی از قدیمی ترین ادیان و خدایان ابتدایی نقش حیوانات مشخص بودند. در توتمیسم ترکان توتم معرف انسان‌ها و قبایل بوده و نمودی از هویت واقعی و اجتماعی آنهاست. در آموزه‌ها و مراقبه‌های شمنی، شمن‌ها معمولاً در سفرهایشان با یک حیوان روبرو می‌شوند و معمولاً در غالب روح آن حیوان ظاهر می‌شوند، به نظر می‌رسد این حیوانات توتم قبایل ترک بوده باشند. امروزه شمن‌های قرقیز در غالب گرگ، شمن‌های قزاق در غالب عقاب و شمن‌های ترکمن در غالب قوچ کوهی در برابر اجنه سیاه ظاهر می‌شوند. از ویژگی‌های این نوع شمنیسم جان دارانگاری، ارواح حیوانی، توتمیسم، پرواز روح، ارواح محافظ، شور و جذب، کنش با جهان ارواح، سفر یا پرواز از طریق خلسه و جذب، جادوهای تسخیر و... است. (الیاده: ۱۳۸۲، ۱۴۹)

باز و پرندگان شکاری از توتم‌های غالب ترکان اوغوز بوده است، چنانکه رشیدالدین فضل‌اله مورخ ایرانی در اثر خویش جامع‌التواریخ اوغوز‌ها را به بیست و چهار طایفه تقسیم کرده است. هر چهار طایفه توتم قبیله‌ای مشترک داشته‌اند که به آن «اونقون» (Onghon) می‌گفتند. این اونقون‌ها معمولاً یک حیوان (پرندگان شکاری) بوده‌اند. او

همچنین آورده است. واژه انقون از «انیق» واژه ترکی به معنی مبارک مشتق شده است. انقون های ترکان اوغوز از انواع پرندگان شکاری و قوچ بوده اند. این واژه معادل توتم در زبان فارسی است که معمولاً مورد ستایش افراد طایفه و یا خانواده بوده است. انقون ها زمینه انسجام قبیله را فراهم می ساختند. بعبارت دیگر این نشان ها زمینه وحدت قومی و طایفه ای را نیز فراهم می ساختند. معمولاً در ازدواج ها افراد قبایل بر اساس توتم های مشترک ا شان همسر بر می گزیدند. نوعی درون همسری بر اساس توتم و نشان های مشترک یکی از معیارهای اصلی انتخاب همسر بوده است. (بیگدلی، ۱۳۶۹: ۶۹)

در داستان دده قورقود از مجموعه داستان های حماسی اقوام ترک پرندگان شکاری به عنوان عنصر اصلی داستان و محافظ قبیله در سطوح مختلف اجتماعی ذکر شده اند. این اثر سرشار از تمثیل هایی است که پرندگان شکاری بعنوان صفت اسب و قبایل شجاع بکار رفته است. در یکی از این داستان ها آمده است:

«به یه رک (Byerk) از سرداران اوغوز در توصیف اسبان سربازانش از ایلخی اسب های شاهین وار صحبت به میان می آورد. طلاهای دشمن را چپاول کردیم، پسر و چهل یاورش را دستگیر کرده ایم، قطارهای اشترانش را آوردیم» (عربدفتری، ۱۳۷۹: ۱۲۹)

اونقون های (توتم های) طوایف اوغوز عبارت بودند از: اوچ (قوچ جوان)، شتقار (شاهین) قرقال (عقاب)، طاو شانجیل (نوعی پرنده شکاری)، سنقور (نوعی باز شکاری)، جاقر یا طغرل (نوعی باز شکاری)

اونقون پرستی یا توتم پرستی در طوایف ترکمن تا قرن هفتم و هشتم هجری قمری پا برجا ماند و پس از آن دوران به تدریج از میان رفت. اما نشانه های آن امروزه در برخی از هنرها و آداب و رسوم این قوم دیده می شود. در آیین باستانی ترکان، توتم ها را به اشکال تندیس در معابدشان قرار می دادند که با گذشت زمان جایگاه توتم ها از میان رفت. اما فرم و شکل آن ها به منزله نماد و واسطه ای که حاوی نوعی ارتباط با نسل های قدیمی تر حفظ شد. (سارلی، ۱۳۶۴: ۱۸۰)

امروزه از توتم های باستانی اقوام ترکمن قوچ و شاخ قوچ است، شاخ قوچ در باورها، اعتقادات و آیین های مردم ترکمن به عنوان نهاد مشاهده می شود. در مراسم

پرخوانی (جادو درمانگری) شمن در غالب روح حیوان قوچ با اجنه سیاه که در شکل قوچ ظاهر می‌شود به مبارزه می‌پردازد. در محوطه باستانی قبرستان خالمندی در شمال ترکمن صحرا سنگ قبرهایی از جنس سنگ به شکل شاخ قوچ وجود دارند. در سالیان اخیر بر سر قبر جوانان سنگ قبری از جنس چوب یا سنگ به نشانه جوان بودن مرده قرار می‌دادند که امروزه در قبرستان‌های منطقه ترکمن صحرا این نوع سنگ قبرها به وفور مشاهده می‌شوند. نقش شاخ قوچ در بسیاری از نمدهای آسیای مرکزی و آناتولی مشاهده می‌شود. امروزه شاخ قوچ در نمدها و جانمازی‌های نمدی اقوام ترکمن به عنوان نقش برجسته وسط نمدها است.

در باورهای اقوام ترکمن شاخ قوچ برای دفع چشم شور یا حسد در داخل اتاق یا در سر در ورودی ساختمان نصب می‌شود. برای دفع چشم زخم، موهای فرزندان پسر خود را به شکلی آرایش می‌کردند که موهای اطراف سر را می‌تراشیدند بالای سر را بلند نگه می‌داشتند بعبارتی به شکل شاخ قوچ در می‌آوردند تا نمایانگر قدرتی باشد که پسر بچه در آینده به آن دست پیدا خواهد کرد به این مدل مو «قولپاق» (Gholpagh) گفته می‌شد.

در بسیاری از قبرستان‌ها سنگ قبرهای قدیمی از جنس چوب تراشیده شده به شکل بال، سر و منقار پرندگان و شاخ و قوچ وجود دارند، احتمالاً این نمدها و نشانه‌ها بازمانده ادیان ابتدایی و باورهای توتیمیک اقوام ترکمن هستند. موارد بسیار دیگری از نشانه‌های توتیمیک در هنرها، فرش‌ها و قالی‌های اقوام ترکمن مشاهده می‌شوند.

اسلام‌پذیری اوغوزها تقابل اسلام و شمنیسم

ایلات اوغوز ساکن در دشت‌های شمال خوارزم و رود سیحون با داشتن زندگی ایلمی تا دو قرن در برابر نفوذ آموزه‌ها و فرهنگ اسلامی مقاومت کردند. به رغم مقاومت آن‌ها در برابر پیشروی اسلام غازیان مسلمان، بتدریج تحت تاثیر آموزه‌های اسلامی قرار گرفتند و اسلام در نیمه قرن چهارم هجری مذهب غالب اوغوزها شد.

به رغم ناسازگاری‌های سبک زندگی ایلات اوغوز ساکن در دشت‌های شمال سیحون با آموزه‌هایشان و همچنین مقاومت نظامی این ایلات در برابر سپاهیان اسلام، آنان بتدریج از

راه‌های گوناگون همچون تبلیغات مذهبی مبلغان مسلمان تلاش‌های غازیان، مراودات سیاسی و بالاتر از همه فعالیت بازرگانان در آن ناحیه، تحت تاثیر فرهنگ اسلامی قرار گرفتند و مسلمان شدند.

ایلات اوغوز در شمال سیحون بیش از دو قرن در مقابل لشکر کشی‌های نظامی غازیان مسلمان مقاومت کردند. بنابراین در طول قرون نخستین اسلامی، قلمرو اوغوزها به یکی از بزرگترین ثغور اسلامی تبدیل شده بود. در طول دو قرن به تدریج دین اسلام در میان اوغوزها و حتی خونین و روسای خاندان‌های آن‌ها رواج یافته و در پی آن، در اواخر قرن چهارم مسلمان شدند. (عنایت اله، ۱۳۴۷: ۳۹)

نبرد اسلام و شمنیسم در حالیکه اسلام در آسیای مرکزی از نقاط دیگر جهان متفاوت نبود. یکی از مشخصه‌های مذهب و کارکرد اجتماعی آن است که به هر حال در تاریخ مناطق اسلام به عنوان منشاء وجدان اجتماعی رشد کرد و رشد و سיעی در علوم انسانی، فلسفه، حقوق، زبان‌شناسی ادبیات و هنر از قرن هفدهم و هیجدهم در سمرقند، بخارا و اورگنج و سایر شهرها سرزمین اصلی اوغوزهای ترک مراکز علم و فرهنگ بودند. در قرون وسطی در آسیای مرکزی جامعه سیاسی اسلام با مقاومت قوی مواجه شد، از سوی جمعیت‌های محلی در برابر ایدولوژی اسلامی مبارزاتی صورت گرفت. بنا به اظهار نظر مورخان هر زمان مردم بخارا منصرف می‌شدند. دوباره مخالفت‌هایی بر اساس نظریه‌های نژادی گسترش می‌یافت چرا که پیش از باورهای اسلامی مرکز آسیای دین زرتشت، مانا، سیم و موضوعات دیگر بود و بعدها در حوزه ادیان احتمالاً توسعه گسترده آیین تصوف در آسیای مرکزی به عنوان مقاومت در برابر جبرگرایی اسلامی و باورهای آن عمل کردند. (sultanova 2012:89)

اسلام و شمنیسم در آسیای مرکزی پدیده‌هایی که مقابل هم قرار گرفتند. اسلام یک دین گروهی بود در حالیکه شمنیسم نمایانگر افراد کمی بوده است. در سرزمین‌هایی که اسلام در قرن هفدهم غالب شد. اقتصاد مبتنی بر شمنیسم معمولاً با فرهنگ شکار حاشیه‌ای و بر اساس کشاورزی و شکار حیوانات که سازمان اجتماعی تمدن اسلامی را به همراه نداشت شمنیسم نمایانگر ارتباطات شخصی و فردی با ارواح بوده است، در حالیکه اسلام

و صوفی‌گری در برابر شمنیسم قرار گرفتند و قصد داشتند ائتلاف گروهی با خدا داشته باشند. در ابتدا باورهای شمنی در آسیای مرکزی قابل توجه بوده‌اند و توانایی مقاومت در کنار مذاهب عمده مانند اسلام را داشته‌اند. اوج عقیده‌ها و سنت‌های شمنی با پایداری آن و سازگاری شمنیسم و همچنین سایر آیین‌ها و فرهنگ‌های بومی، باورها و جنبه‌های اصلی شمنیسم و شیوع افکاری با بالاترین و پایین‌ترین سطوح جهان ما نشان دادند که توسعه جوامع شمنیستی در جنوب سیبری این پروسه زمینه ساز تقسیم بندی دیگری از شمن‌ها به سفید و سیاه شده است. صاحبان ایده‌های شمنیستی ریشه همه ادیان را به شمنیسم گره می‌زدند، تا اینکه نفوذ اسلام و گسترش اندیشه‌های صوفی گرایانه در آسیای مرکزی از سوی غازیان مسلمان ترکان باستان با پذیرش این اندیشه انتخاب پیامبران از سوی خداست و واقعیت عروج حضرت محمد(ص) و اصول دین در نهایت شمن‌سیم و سایر باورهای غیر اسلامی بندرت در منطقه آسیای مرکزی رو به افول نهادند و اسلام به عنوان دین اصلی ترکان باستان زمینه تحول عمیق در فرهنگ و آیین‌های کهن آنان را فراهم ساخت. (همان ماخذ، ۱۲۹)

از شمنیسم تا صوفی‌گری در آسیای میانه

مایکل تاوسیک^۳ انسان‌شناس امریکایی مطالعه در باره شمن‌سیم و اسلام را از دیدگاه انسان‌شناسی ادیان مورد بررسی قرار داده است. او معتقد است مطالعات موضوعی در این خصوص در حال انجام است. مقاله‌ای که توسط آتکینسون^۴ (۱۹۹۲) در دهه‌های گذشته نوشته شده اهمیت موضوع را دوچندان می‌کند.

او درباره صوفیان آسیای میانه تحقیقات گسترده‌ای انجام داده است. در واقع در میان پزشکی عامیانه صوفی‌ها افراد کاریز هاتیکی هستند بسیاری از کارکردهای مشابه‌ای که شمن‌ها در جوامع خود دارند آن‌ها نیز از این ویژگی برخوردارند. وینکلمن^۵ تکنیک‌های شمنی را نوعی جادوی مذهبی می‌نامد. در مطالعات فرهنگی شمن‌ها و سایر درهان

Maicel tawsik -^۳

Atkinson -^۴

Wincelman -^۵

کنندگان (عرفا، پزشکان جادوگر) در سراسر جهان دریافتند اگر چه هیچ تعریف جهانی از اصطلاحات شمن که ناشی از تونگوس (واژه سیبریایی) وجود ندارد که محققان با آن موافق باشند، سیکالا (Sikala) از لحاظ جغرافیایی پدیده‌های محدود به اورا سیا و زیر قطب شمال است. (tawsik 2012:123)

در حالیکه پیترز و پراسیس ویلیامز (۱۹۸۰) دیگر جامعه شناسان امریکایی مطالعاتی بر روی صوفی‌گری و اسلام در آسیای مرکزی انجام داده اند به لحاظ تجربی اصطلاحات را تعریف می‌کنند. آنها بر این باورند به طور گسترده همه سنت‌های جادویی مذهبی از خلسه استفاده می‌کنند که الیاده (۱۹۶۴) اسطوره شناس امریکایی از آن به معنای حساس خلسه یاد می‌کند. وینکلن با احتیاط آن را به شکارچیان و اجتماعات جمع‌آوری کننده محدود می‌کند.

پراسیس ویلیامز معتقد است در آسیای مرکزی پس از رواج صوفی‌گری وجه مشترک فراوانی بین شمن‌ها و صوفی‌ها مشاهده می‌شود، او وجه مشترک آیین‌های شمنی و صوفی‌گری را خلسه می‌داند. خلسه در تصوف حالتی بین خواب و بیدار بودن است که می‌توان حقیقت را از این طریق کشف نمود. (همان، ماخذ، ۱۲۵)

اهل طریقت خلسه‌های شمن‌وار را از راه‌های انحرافی تصور می‌کنند، گرچه برخی از صوفی‌ها از روش‌ها و تکنیک‌های شمنی به خلسه می‌روند. متخصصان مطالعات شمنی احتمال می‌دهند که این گونه خلسه اکتباسی از آیین‌های شمنی باشد و از همان صدر اسلام برخی از روش‌های تصوف مورد انتقاد علما اسلامی بوده است. موارد بیشماری از صوفیان در کشورهای مسلمان در غالب پزشکی-مردمی با ایجاد تکنیک‌های خارق‌العاده به مداوای بیماران می‌پردازند، اما مطالعه ویلیامز و همکارانش در باره این موضوع متمرکز است بر تفاوت‌های تکنیک‌های شمنی و تصوف در مواجه شدن با بیمار آنها به مواردی اشاره می‌کند و مطالعات خویش را در بین صوفیان از آسیای مرکزی گسترش می‌دهد. در آسیای مرکزی سه طریقه کبرویه، یسویه و نقشبندیه در این منطقه شکل گرفتند. از این سه طریقت، یسویه در میان ترک‌های آسیای مرکزی پیروانی داشت.

وینکلن در مطالعات خویش به مقایسه شمنیسم و صوفیسم پرداخته است. از دیدگاه او مناجات‌های شمن‌ها و صوفی‌ها بسیار مشابه هستند با این حال مناجات‌هایشان در اهداف متفاوت بوده‌اند. صوفیان از خدواند و شخصیت‌های قدسی طلب مداوای بیمار را می‌کنند. در حالیکه شمن‌ها به التیام بیمار از طریق قدرت‌های ماوراء الطبیعه می‌گویند. تفاوت عمده بین مناجات‌های شمن‌ها و صوفی‌ها از محتوای لیست خدایانی که مورد خطاب قرار می‌گیرند نشأت می‌گیرند. اگر چه با مناجات تقریباً همه پیامبران و مقدسین برجسته مشهور و مقدس صوفی فرا خوانده می‌شوند (baldik 2012:29).

پس از اسلام عناصری از فرهنگ اسلامی در مراحل شفای شمن‌ها وارد شده اما تفاوت اساسی شفایی که صوفی‌ها به بیماران می‌دهند و شفایی که شمن‌ها به ارمغان می‌آورند در گام نخست چنانکه پیشتر ذکر شد به مناجات آن‌ها بر می‌گردد. شمن‌ها پس از مرحله مناجات به جلسه روی می‌آورند در حالیکه در شیوه شفای صوفی‌ها جلسه در مفهوم شمنی آن مورد توجه قرار نمی‌گیرد. مهم‌ترین جایگاه جلسه در مجالس صوفی‌ها در آیین‌های تزکیه این گروه نظیر ذکر صوفیان که یکی از مراحل پاکسازی روح است. می‌باشد ذکر صوفیان پس از پیدایش تصوف به عنوان آیینی اختصاصی امروزه نیز اجرا می‌شود.

نکته دیگر مفاهیم بیماری‌زا که شمن‌ها آن را دسته‌بندی می‌کنند، شامل یک طبقه ارواح، جن‌ها و شیاطین مختلف در دسته‌های مختلف طبقه‌بندی می‌شوند. مامو (Mamo) (آلباستی (Albasti)، لشکر (Lashkar)، شیطان (Shytan)، چیلتان (Chilhtan) در مناجات‌های شمنی وجود داشته است. از دید شمن‌ها این‌ها باعث رنجش بیمار می‌شوند. برای بهبودی بیمار نیروی مخصوص هر یک از آن‌ها روانه می‌گردند تا به مبارزه پردازند. (Bashir 1987:122)

در اندیشه صوفیان در مراحل شفای بیماران پیامبران نقش دارند. ۱۲۳ نام از چهره‌های برجسته که ۸ نفر از پیامبران، ائمه و حکمای الهی و قرآن و ۷۴ نفر شخصیت‌های مقدس و صوفی‌ها هستند. در ادبیات درمانگری صوفی‌ها این‌ها شامل این اسامی اند. ولی (Wali) (اولیاء (Awliya) در انتها نمایندگان مشهور تصوف در میان ترکان آسیای مرکزی را نام

می بریم که امروزه برای خود پیروانی در نزد ترکان اوغوز دارند. خواهی چه احمد یسوی، بایزید بسطامی، بهاءالدین نقشبندی، عبدالقدیر آل جیلانی

یافته‌های میدانی تحقیق

مفهوم پرخوانی در بین اقوام ترکمن

پرخوان‌ها بعنوان اصلی‌ترین و آخرین بازمانده شمن‌ها در بین اقوام ترکمن معروفند در بیان معنی و مفهوم پرخوانی تعابیر مختلفی وجود دارد. در تلفظ فارسی برخی آن را پری خوان به معنی کسی که زیاد ذکر الله می‌گوید گفته‌اند. اما در تلفظ ترکمنی مفهومی که بیش از همه دقیق بنظر می‌رسد، پرخوان برگرفته از واژه پری خوان به معنی بزرگ خان، جن و پری است. چرا که هر یک از پرخوان‌ها لشکری از اجنه را در اختیار و فرمان خود دارند. هرچند بیشتر منابع تاریخی و مورخین پرخوانی را بازمانده آیین شمنیسم می‌دانند اما آنچه که وجود چنین ارتباطی را می‌تواند بطریق علمی مورد تایید قرار دهد نشانه یا ویژگی‌هاییست که تاکنون برای شمنیسم شناخته شده‌اند و از مهم‌ترین آن می‌توان به آتش، خلسه، ارتباط با ارواح و اشکال اشاره کرد. آتش به عنوان یکی از عناصر اربعه، در نزد ترکمن‌ها دارای تقدس بوده و نمادی از تطهیر به شمار می‌رود. آتش در بین ترکان اوغوز از دوران شمنیسم همواره در آیین‌های شمنی از ارکان اصلی این مناسک به شمار می‌رفته است.

ترکان باستان زمین‌های آبی را مقدس می‌دانستند. اعتقادات به رب‌الانوع یرسو (Yersu) مربوط به کوه‌ها، جنگل‌ها، رودخانه‌ها و غیره است. این باورها بعدها به آیین میهنی تبدیل شده است. در طول تاریخ ترک‌ها به آتش احترام می‌گذاشتند و در درون آن یک قدرت پاکسازی و مقدس مشاهده می‌کردند، آیین آتش در میان ترک‌ها با آیین خانوادگی اجاق ارتباط دارد. که به نوبه خود به آیین اجدادی آن‌ها مربوط می‌شود. اصطلاح یرسو (زمین، آب) حاکی از آن است که علاوه بر درختان، آتش، آب، کوه‌ها، زمین، سنگ‌ها از اهمیت و معنای مقدس برخوردارند. در کتیبه اورخون آسمان آبی و زمین سیاه دو میدان اصلی کیهانی را تشکیل می‌دهند یکدیگر را کامل می‌کنند. (بارتولد ۱۳۷۲: ۱۲۴)

اشکال فرضی بسیاری در نقوش فرش و سنگ قبرهای قدیمی مشاهده می‌شود برخی از آن‌ها دارای نام می‌باشند. به عنوان مثال نقش سیچان ایزی (Sichan isi) یکی از نقوش فرش ترکمن که احتمالاً از نقوش بازمانده از دوران شمنیسم است. این کلمه به معنای رد پای موش در اسطوره‌های اقوام ترکمن به دشمنان فراری که میدان جنگ را در اثر شکست ترک می‌کردند اشاره می‌کند. از اینگونه تصاویر و اشکال توت‌میک نظیر شاخ قوچ در سر در ورودی منازل و نقوش اصلی نمدهای ترکمن بسیارند. اینگونه مفاهیم در آیین پرخوانی نیز کاربرد دارند در بخش‌هایی از آیین دشمن فرضی شکست خورده به موشی که رد پای از خود نهاده تشبیه می‌شود. و پرخوان در غالب روح حیوان قوچ زبرد سهمگینی با ارواح خبیثه دارد.

توصیف مراسم و آیین پرخوانی

تا حدود یکصد سال پیش اقوام ترکمن در دوران پیش از یکجانشینی مراسم پرخوانی را در داخل آلاچیق مسکن متحرک اقوام ترکمن برگزار می‌کردند. آتش همواره در میانه آن روشن بود. پرخوان شمشیر یا کفگیر خود را در آن می‌گذاخت به کف پا یا تن بیمار می‌زد تا نیروهای ناپاک یا جن‌های کافر را از جسم و روح بیمار براند. بطور کلی در آیین پرخوانی شمشیر یا کفگیر زدن به بیمار نمادی از راندن یا زودن نیروهای شر و ناپاکی‌ها از وجود بیمار است. خلسه و ارتباط با ارواح به عنوان دو مرحله پیوسته همانند آیین کهن شمنیسم در مراسم پرخوانی نیز قابل ملاحظه است. استفاده از ساز و نای موسیقایی، انجام حرکات موزون و چرخیدن با طناب از مهم‌ترین شیوه‌های ورود پرخوان به عالم خلسه است. مراسم پرخوانی با نواختن تار و خواندن مقام‌هایی از موسیقی ترکمن که مخصوص آیین پرخوانی است. توسط بخشی (خواننده و نوازنده) ترکمن آغاز می‌شود پرخوان نخست با ریتم و آواز بخشی شروع به تکان دادن و لرزیدن کتف‌های خود می‌کند. به تدریج ریتم او تندتر شده و به حرکات سریع سر، بدن و جستن از جا مبدل می‌شود.



تصویر پرخوان ترکمن در حال خلسه، نگارنده، آذر ۱۳۹۸



تصویر بخشی (نوازنده و خواننده موسیقی ترکمن) در آیین پرخوانی - تصویر پرخوان ترکمن در حالت ورود به عالم خلسه، نگارنده، آذر ۱۳۹۸

ساز بخشی و حرکات موزون، پرخوان را به حالت خلسه فرو می برد و زمانی که این خلسه به اوج خود رسید با طنابی که به سقف آلاچیق یا اطاق آویزان است شروع به چرخیدن و نعره زدن می کند.

در این مرحله خلسه به اوج می رسد و پرخوان با دنیای آل و ارواح ارتباط برقرار می سازد و در نگاه درونی پرخوان روح به پرواز در می آید. شکار یا سفر در غالب روح حیوان یکی دیگر از ویژگی های آیین پرخوانی است. در این آیین قوچ در عالم پرخوان حیوانی است که در غالب آن پرخوان به دنیای آل و ارواح، جن و پری سفر می کند و به عبارت دیگر با روح قوچ آمیخته شده و به نبرد آل و ارواح می رود. قوچ روح حیوانی توتمی یا روح محافظ پرخوان است. در این مرحله از آیین پرخوانی، پرخوان مانند قوچ حمله ور می شود با ارواح خبیثه به نبرد می پردازد. پرخوان مانند حالت قوچ با سر به در اتافی که

مراسم در حال برگزاری است با قدرت حمله آور می‌شود. گاه در پس از چندین بار اجرا کردن مراسم خراب می‌شود ضربات وارده به در باعث خرابی در می‌شود. از نظر پرخوان او مانند حالت قوچ به سمت ارواح خبیثه‌ای که باعث رنجش بیمار می‌شوند حمله می‌کند. در مرحله بعد به دستور پرخوان دست بیمار را می‌بندند و او مانند حالت قوچ به سمت بیمار نیز حمله ور می‌شود. از نگاه او این اجنه و جن‌های سیاه هستند که مانند قوچ حمله ور می‌شوند. جن‌ها به شکل قوچ در می‌آیند و می‌خواهند مانند قوچ با آن‌ها وارد نبرد شوند. اگر چه پرخوان خود را به هیبت قوچ در نمی‌آورد. اما در غالب روح حیوانی آن سفر می‌کند و به شکار می‌پردازد. (مصاحبه شونده: احمد خانم‌حدی، ۱۳۹۸)

بر اساس تفسیری از سنگ نگاره‌های اورخون متعلق به ترکان باستان پوشش سر شمن از پوست قوچ ساخته می‌شد که شاخ و گوش‌های آن دست نخورده باقی می‌ماند.



تصویر پرخوان ترکمن در حالت نبرد در غالب روح حیوان قوچ،

نگارنده، آذر ۱۳۹۸

شاخ قوچ توتم اجداد ترکمن یعنی اوغوزها بوده است. زندگی دامداری اوغوزها و بعد ترکمن‌ها این حیوان را نماد باروری و زایش قرار داده و از اهمیت خاصی برخوردار ساخته علاوه بر باورها و ادبیات عامیانه اقوام ترکمن نقش و تصویر قوچ در ابعاد مختلف زندگی مادی ترکمن‌ها دیده می‌شود.

« در اعتقاد ترکمن‌ها ارواح به دو دسته نرو هاده تقیسم می‌شوند ارواح هاده بسیار قدرتمند و خطرناکند و عامل بسیاری از ناراحتی‌ها و بیماری‌ها به شمار می‌روند. آل در

باور جادو درمانگران (پرخوان‌ها) اقوام ترکمن روح مادینه‌ای است بسیار زیبا و قوی با قدی بلند و گیسوانی دراز ظاهراً نوع مذکر آل از ارواح نیکوکار محسوب می‌شود. پرخوان علاوه بر جن و پری با آل نیز ارتباط برقرار می‌کند. از نظر پرخوان‌ها جن موجود دروغگویی است. اما آل دروغ نمی‌گوید. جن از خود نشانی باقی نمی‌گذارد اما آل از خود نشان می‌گذارد. این نشان را معمولاً بر بدن پرخوان یا بیمار می‌گذارد. پرخوان در مرحله اجرای مراسم و مداوای بیمار در رفع این نشان‌ها بر می‌آید. در این مبارزه و نبرد پرخوان با دنیای آل، جن و پری و پیروز می‌شود.» (ندیمی، ۱۳۷۸: ۷۹).

آیین و مراسم تشریف به پرخوانی (شمن شدن)

از دیدگاه پرخوان‌های ترکمن آصف بن برخیا وزیر حضرت سلیمان پیر و مراد پرخوان‌ها و فرمانروای کل جن‌هاست که در بین ترکمن‌ها به تکیه بابا معروف است. پیروان و علاقه‌مندان پرخوان‌ها مزار آصف بن برخیا را در نزدیکی روستای پاسنگ از توابع شهرستان مینودشت در استان گلستان قرار دارد. این مکان به تکیه بابا و محل نیایش آن‌ها نیز شناخته شده است. طبق باور پرخوان‌ها از آنجایی که حضرت سلیمان فرمانروای کل انس، جن و پری بوده و بعد از او فرمانروایی به وزیرش آصف بن برخیا رسیده لذا فرمانروایی کل جن‌ها به او واگذار شده است. او به اذن خداوند لشکر اجنه را در اختیار پرخوان قرار داده و مقام پرخوانی را به او عطا کرده است. همه پرخوان‌ها قبل از رسیدن به مقام پرخوانی یک دوره بیماری روحی شدید را پشت سر می‌گذارند، این بیماری توسط گروه و لشکری از جن‌ها ایجاد می‌شود و آن‌ها از این طریق قصد ایجاد ارتباط با فرد مورد نظر را داشته و می‌خواهند وی را مجبور سازند تا فرمانروایی آنان را در اختیار بگیرند. انتخاب چنین فردی از طرف گروهی از جن‌ها معیار شناخته شده‌ای ندارد. این امر می‌تواند ناشی از توانایی روحی با قابلیت فرد مورد نظر در ایجاد ارتباط با اجنه و موجودات نامریی بوده و یا سابقه پرخوانی در اجداد وی وجود داشته باشد.



تصویر پرخوان جوان ترکمن در آیین تشرف به پرخوانی، نگارنده، آذر ۱۳۹۸

خاطرات شمن شدن یک پرخوان

سبحان پرخوان از خاطرات شمن شدنش می‌گوید. پدر بزرگم پرخوان بود، لازم به ذکر است مقام پرخوانی موروثی است و اجداد پرخوان‌ها زمانی به این کار مبادرت داشته‌اند. پس از فوت پدر بزرگ سبحان مقام پرخوانی به پدرش پیش نهاد می‌شود اما او نمی‌پذیرد. سبحان می‌گوید در سن دوازده سالگی پرخوان شده است. به محض اینکه نشانه‌هایی از بحران روحی در آستانه شمن شدن در من ظاهر شد. ابتدا مادرم قدرت حرکات دست و پایش را از دست داد، سپس خودم دچار بیماری روحی شدید شدم. برای مداوای بیماری ام نزد رجب پرخوان که در آن زمان پرخوان زنده‌ای در ترکمن صحرا بود رفتم. سبحان در اثر این بیماری از فشار روحی و روانی رنج می‌برد. این فشارها به تشخیص پرخوان‌ها یکی از نشانه‌های شمن شدن بشمار می‌رود از سوی نیروهای نامریی (اجنه) در مرحله تشرف به او تحمیل می‌شد. او از اتفاقاتی که برایش رخ داده می‌گوید.

روزی از جنگل عبور می‌کردم، صدای ساز و دهلی را شنیدم که در آن محل شادمانی می‌کردند با شنیدن صدای موسیقی از خود بیخود و بی‌حار شدم. برای مداوا نزد رجب پرخوان شمن مشهور ترکمن صحرا رفتم و ماجرا را به او تعریف کردم او پس از بررسی‌های اولیه به من گفت موجودات پنهانی بسیار قوی شما را تسخیر نموده‌اند که مهار آن‌ها از عهده من خارج است. او از سبحان می‌خواهد حتماً به زیارتگاه تکیه بابا برود و مرحله تشرف به پرخوانی و بهبودی خویش را از آصف بن برخیا یا همان تکیه بابا طلب نماید. او را در کناره مقبره یک شبانه روز با طناب به زیارتگاه می‌بندند و رجب پرخوان از او می‌-

خواهد از قدرت جادویی پیر و مرداد پرخوان‌ها (تکیه بابا) کمک بطلبد. پس از یک شب اقامت در جوار تکیه بابا سبجان بهبودی خویش را کسب می‌کند. از آن پس او از شر موجوداتی که باعث آزار و ادیت او می‌شدند رهایی می‌یابد و به مقام پرخوانی نایل می‌شود. او اکنون خود پس از طی تشریف سخت به اجرای آیین پرخوانی می‌پردازد و بیمارانی از ترکمن صحرا برای مداوای خویش نزد او مراجعه می‌کنند. برای سایر پرخوان‌ها حادثه مشابهی رخ داده است. آن‌ها نیز چنین سیری را برای کسب درجه پرخوانی طی نموده‌اند. در مرحله تشریف یک حادثه تلخ که توأم با بیماری روحی روانی است را طی نموده‌اند. (مصاحبه شونده: سبجان مردای، ۱۳۹۸)

نقش و جایگاه اجتماعی پرخوان‌ها

در بخش تاریخی به نقش و جایگاه اجتماعی شمن‌ها در بین ترکان اوغوز پرداخته شد. شمن‌ها در تاریخ باستانی اقوام اوغوز نقش‌های مختلفی را برعهده داشته‌اند. آن‌ها در مداوای بیماران و نیز به عنوان رهبران قبایل در نظام سیاسی و اجتماعی خانات اوغوز نقش بسزایی ایفا می‌نموده‌اند. به دلیل گستردگی رواج آیین شمنیسم به عنوان دین غالب، شمن‌ها به چندین گروه تقسیم می‌شدند که هر یک در احضار ارواح خاص مهارت داشته‌اند. به تدریج پس از پذیرش ادیان مانوی، یهودی و سرانجام اسلام شمن‌ها نقش‌های تاریخی خویش را در بین اوغوزها از دست داده‌اند.

امروزه پرخوان‌ها به عنوان آخرین بازمانده شمن‌ها در میان اقوام ترکمن به مداوای بیماران روحی می‌پردازند. آنها در نقش شمن‌های امروزی در بین پیروانشان از قدرت ماوراء الطبیعی برخوردار بوده و در نزد آنها از شخصیت‌های محبوب و مقدس به شمار می‌آیند. چنانچه در بخش آیین تشریف به این موضوع پرداخته شد نقش شمن بودن به پرخوان‌ها از طریق قدرت‌های نامریی و ماوراء الطبیعه واگذار می‌شود و آن‌ها طی آیین تشریف سخت به این مقام نایل می‌شوند. کسب این مقام در بین شمن‌ها موروثی است گاه

نیز مقام شمن از طریق پدر به پسر طی اجرای مراسمی که شامل حالت های خلاسه گونه دعا خواندن اسن واگذار می‌شود.

در جامعه امروز ترکمن‌ها شمن‌ها تنها در زمان اجرای مراسم نقش در مانگری را به عهده می‌گیرند، آن‌ها علاوه بر این نقش به فعالیت‌ها و تخصص‌های روزمره ایشان می‌پردازند. شمن‌هایی که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند معمولاً به کار کشاورزی می‌پردازند. برخی نیز تنها درمانگر هستند اما خودشان به این فعالیت بعنوان حرفه و درآمد اعتقادی ندارند و دارا بودن قدرت خارق‌العاده را خدمت به انسانها تصور می‌کنند. امروزه پرخوان‌ها در جامعه ترکمن از شخصیت غالبی برخوردار نیستند و تنها بخشی از جامعه ترکمن که بیشتر سنتی هستند به پرخوان‌ها گرایش دارند.

بنابراین پرخوان‌ها به عنوان آخرین بازمانده شمن‌ها در بین گروهی از علاقه‌مندان خویش محبوب هستند و از محبوبیت عامه‌ای برخوردار نیستند. آن‌ها علاوه بر شمن بودن نیز در تامین هزینه‌های اقتصادی خانواده با کسب درآمد‌های جانبی نقش دارند. گرچه شمن بودن در بین آن‌ها شغل و درآمد اقتصادی محسوب نمی‌شود و آن‌ها در باورهایشان اجرای مناسک درمانگری را برای رضایت مردم در راه خدا انجام می‌دهند و بیماران نیز با توجه به این باور بر حسب توان مالی ایشان در پایان مراسم پولی را به عنوان تبرک از حاضرین جمع‌آوری می‌کنند و جهی را به پرخوان‌ها بابت حق مداوا می‌پردازند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد ضمن معرفی خاستگاه تاریخی-فرهنگی باورها و اعتقادات دینی اقوام اوغوز(ترکمن‌ها) سیر تطور ادیان ابتدایی آن‌ها از دیدگاه انسان‌شناسی تاریخی بررسی شود. ماهیت تلفیقی و پیچیده اعتقادات و دیدگاه‌های مذهبی ترکمن‌ها عمدتاً نتیجه تاثیر ادیان مختلف در طول قرن‌هاست. آیین پرخوانی، ذکر خنجر و آیین ذکر صوفیان آیین‌هایی هستند که تلفیقی از اعمال و مناسک شمنی و باورهای اسلامی را به نمایش می‌گذارند. آیین پرخوانی به عنوان بازمانده آیین شمنی دارای ساختاری است که باورها و اعمال شمنی با باورهای اسلامی در آن درآمیخته است عناصری مانند خلاسه، آتش و ظاهرشدن در روح حیوان قوچ و دعا‌های پی‌درپی پرخوان با خواندن دعا‌های ابتدایی و

پایانی مراسم تلفیقی از باورهای اسلامی و شمنی است که در آیین پرخوانی نمود می‌یابند. از سوی دیگر وجود عواملی مانند ذکر مقدسات اسلامی و یا حضور اجنه در جایگاه ارواح خیر و یاری رسان بخشی از جهان بینی اسلامی است. در این راستا نقش و تاثیر فرهنگ‌های همجوار و ادیان مسلط را نباید نادیده گرفت. با ظهور دین اسلام و تشریف ترکمن‌ها به اسلام عناصر دینی با باورهای کهن آنها بیشتر تلفیق یافت.

با مهاجرت ترکان به آسیای میانه و گرویدن به دین اسلام حضور باورها و اعتقادات اسلامی به تدریج برخی از عناصر فرهنگ اسلامی با باورهای شمنی در هم آمیخت. نقش رهبری مذهبی-سیاسی شمن‌ها جای خود را در ابتدای حضور اسلام به غازیان مسلمان و به تدریج روحانیون داد. بخارای شریف بعنوان مرکز نشر علم بخصوص علوم مذهبی اوغوزها نقش مهمی را در ترویج علوم دینی ایفا نمود.

امروزه پرخوان‌ها بعنوان بازمانده شمن‌ها در جامعه ترکمن تنها در نقش جادو درمانگری به ایفای نقش می‌پردازند. پرخوان‌ها همواره نزد پیروانشان افراد مقدس و قابل احترامی بشمار می‌آیند. آن‌ها در جامعه ترکمن نقش درمانگری را برعهده دارند اما پس از پذیرش اسلام از سوی اوغوزها شمن‌های ترکمن بسیاری از نقش‌های باستانی و گذشته خویش را از دست داده‌اند. امروزه از نظر روحانیون ترکمن شمن‌ها در نقطه مقابل شیوه مداوای ایشان قرار می‌گیرند که در مراحل مداوایشان از آیات و ادعیه‌های قرآنی بهره می‌گیرند. شمن‌های ترکمن پیروان بسیاری در ترکمن صحرا بخصوص در بین طوایف گوگلان برخوردارند.

آنچه که مشخص است پس از پذیرش دین اسلام از سوی اوغوزها، شمن‌ها بتدریج جایگاه سیاسی و اجتماعی خویش را در بین ترکان اوغوز از دست داده‌اند. در مانگران شمن پس از پذیرش دین اسلام از سوی اوغوزها گروه مخالف و رقیبی را در مقابل خویش یافتند که از آنها با عنوان صوفی‌ها یاد کردیم، امروزه در بین اقوام ترکمن گروهی که در مقابل پرخوان‌ها قرار دارند و شیوه مداوایشان به شیوه مداوای صوفی‌ها نزدیک است از آنها با عنوان «ایشان‌ها» یاد می‌کنند که همان پیروان صوفی‌های صدر اسلام هستند و در شفای بیمارانشان از ادعیه اسلامی بهره می‌برند و نیروهای امداد رسان آنها «اولیاء» و «ولی

«است که در این مقاله به پیشینه این گروه اشاره نمودیم. محورا صلی برر سی این مقاله پرخوان‌ها بعنوان آخرین بازمانده شمن‌ها بود که مفصلا از دیدگاه انسان‌شناسی تاریخی به گذشته تاریخی آنها پرداختیم. و در نهایت با روش مشاهده مستقیم را نقش اصلی شمن‌ها (پرخوان‌ها) را بررسی نمودیم.

منابع

۱. آرونز، ویلیام. جی، ۱۳۸۶، ترکمن‌های یموت، مطالعه سازمان اجتماعی در یک جمعیت ترک زبان در آسیای مرکزی. ترجمه محمد امین کنعانی، تهران: نشر افکار و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
۲. الیاده، میرچا، ۱۳۷۵، رساله در تاریخ ادیان. ترجمه جلال ستاری. تهران: انتشارات سروش.
۳. الیاده، میرچا، ۱۳۹۲، شمنیسم فنون کهن خلسه. ترجمه محمد کاظم مهاجری. قم: نشر ادیان.
۴. الیاده، میرچا، ۱۳۸۲، از جادو درمانگران تا اسلام. ترجمه مانی صالحی علامه.
۵. تهران:ورجاوند.
۶. اقبال آشتیانی، عباس، ۱۳۶۲، تاریخ مغول. ج. ۱. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۷. بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ، ۱۳۶۶، ترکستان نامه. ترجمه کریم کشاورز. تهران: انتشارات آگاه.
۸. بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ، ۱۳۷۶، تاریخ ترک‌های آسیای میانه. ترجمه غفار حسینی، تهران: انتشارات توس.
۹. بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۶۹، ترکمن‌های ایران. تهران: انتشارات پاسارگاد.
۱۰. ریس‌نیا، رحیم، ۱۳۷۸، کور اوغلو در افسانه و تاریخ، تهران: نشر دیبا.
۱۱. وگاشوا، بی بی رابعه، ۱۳۵۹، ترکمن‌های ایران، ترجمه سیروس ایزدی و حسین تحویلی، تهران: شباهنگ.
۱۲. مینورسکی، ولادیمیر، ۱۹۶۰، تاریخ مختصر ترکمن. ترجمه عباس مخبر، تهران: اسناد کتابخانه ملی.
۱۳. محمت، سارای (۱۳۷۸) ترکمن‌ها در عصر امپریالیسم. ترجمه قدیروردی رجایی. تهران: امیر کبیر
۱۴. سومر، فاروق، ۱۳۸۰، اوغوزها (ترکمن‌ها). ترجمه آناردی عنصری. گنبدقاپوس: انشارات حاج طلائی.
۱۵. سارلی، اراز محمد، ۱۳۶۴، ترکستان در تاریخ. تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۶. عنایت‌اله، رضا، ۱۳۶۱، ایران و ترکان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۷. عربدفتری، فریبا و اکبری حریری، ۱۳۷۹، دده قورد قود. تهران:نشر قطره.
۱۸. کمالی، محمدشریف، ۱۳۶۲، ریشه یابی قومی ترکمن های یموت، تهران:نشر اساطیر.
۱۹. گلی، امین اله، ۱۳۶۶، سیری در تاریخ سیاسی، اجتماعی و اجتماعی ترکمن ها. تهران:نشر علم.
۲۰. ندیمی، کمال الدین، ۱۳۷۸، پژوهش هایی بر فرهنگ و تمدن مردم گلستان. گرگان:انتهشارات
مختومقلی فراغی.
۲۱. هیات، جواد، ۱۳۸۰، سیری در زبان و لهجه های ترکی. تهران:نشر بیکان.

۱. Baldik j, 2012, *the group of religious within Turkish oghuz*. Institute of coneat Britain and treland uk.
۲. Bashirshahzad ,1987, *Sufism in central asia*.national university of turkmanstan.
۳. Chirstina thampson, 1986, *rock art in centra asia*. Newyork: the rosen publishing group.
۴. Hajson pitter, 2011, *totemism a belief of early Turkic oghuz*.oxford university press.
۵. Haner micheal, 2010, *core shamanism in central asia*. Newyork:the free press.
۶. Hess Klaus, 2010, *black, white, yellow shamanism*. oxford university press.
۷. Hoppal Mihaly, 2010, *shamanism in central asia and the americans* Colorado: university of Colorado.
۸. J-a. maccullooh "shamanism" encyclopedia of religion ethics'j.hassting' vol:9
۹. S.g agajanov, 2009, *the state of oghuz the kimek and the kipchak*.istanbol university.
۱۰. Tawsik mikel, 2012, *islam and soufism in central asia*. Oxford university press.
۱۱. *Turkic migration from Wikipedia the free encyclopedia*.

مصاحبه شوندگان

۱. احمد خان محمدی-پرخوان(شمن) - ۵۲ ساله - کشاورز.
۲. سبجان مرادی-پرخوان(شمن) - ۴۱ساله - کارگر خدماتی.